



نظرخواهی از منتقدان و اهالی سینما

نقد و منتقد از نگاه اهالی قلم و سینما

مریم احمدی

فرزاد مؤتمن: سینما بدون نقد وجود ندارد

به اعتقاد من نقد پلی است که یک سینماشناس بین فیلم و جامعه ایجاد می‌کند؛ در واقع برای جامعه آسان‌تر می‌شود که فیلمی را ببیند، چون می‌تواند نقد و بررسی‌اش را بخواند و به دنیای فیلم نزدیک‌تر شود. به همین خاطر احساس می‌کنم که نقد فیلم، بخشی از صنعت سینماست و سینما بدون نقد وجود ندارد.

طهماسب صلح‌جو: نقد یک اتفاق مهم است

نقد فیلم یکی از ضرورت‌های سینماست و اگر نباشد احتمال دارد که سینما مسیری را که تا به حال طی کرده، نتواند ادامه بدهد نه فقط در مقوله‌ی نقد فیلم بلکه در هر عرصه‌ی فرهنگی و غیرفهرنگی؛ نقد یک اتفاق مهم است؛ در واقع یک منتقد با دیدگاه خودش سعی می‌کند سره را از ناسره تشخیص داده و معرفی کند.

کیوان شوقی: نقد و ارتقای هنر سینما

نقد فیلم یک پدیده‌ی مختص عصر ماست، پدیده‌ی که دو وجه دارد: یک کارکرد عادی و عمومی‌اش است که همه‌جای دنیا این کارکرد را دارد و معطوف به یک نوع راهنمایی و کمک فکری به علاقه‌مندان جدی‌تر سینماست؛ این اتفاق آن‌ها را در انتخاب فیلم‌ها راهنمایی می‌کند و همین در ارزش‌گذاری روی فیلم‌ها و در نهایت یک جور کمک است به ارتقای سلیقه‌ی عمومی، اما وجه دیگری که تخصصی‌تر بوده به نظر من کمکی است که به ارتقای هنر و صنعت سینما می‌کند، هم در وجه بومی و هم در وجه جهانی. برای مثال در این وجه منتقدان کمک می‌کنند که یک تعامل بین جامعه‌ی سینمایی، خانواده‌ی سینما و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی برقرار شود که نتیجه‌ی این امر ارتقای هنر سینما خواهد بود.

مهران رحبی: ... هنرش نیز بگو

نقد بهترین چیزی است که نقدشونده را از خطا بازمی‌دارد خود کلمه‌ی نقد نه بار منفی دارد و نه بار مثبت؛ متأسفانه با بار منفی بیش‌تر معنی شده، به هر حال هم می‌شود با نگاه مثبت‌گرایی از نقد

استفاده کرد و هم منفی‌گرایی. «عیب من جمله بگفتی هنرش نیز بگو»؛ به اعتقاد من این مصراع ترجمه‌ی واقعی نقد است.

مهرزاد دانش: باز آفرینی یک اثر سینمایی در قالب تفسیرها

برای نقد تعاریف بسیار متنوعی آورده‌اند؛ گروهی معتقدند که نقد شیوه‌ی بی‌ست برای توضیح دادن مفاهیم عمیق‌تر یک فیلم برای تماشاگران عادی، نقد را گروهی دیگر شیوه‌ی برای یادآوری ضیفها و قوت‌های یک اثر به سازنده‌اش می‌دانند، منتها من تصور می‌کنم تعریف بهتر نقد، بازآفرینی اثر سینمایی در قالب تفسیرها و تأویل‌هایی بوده که مبتنی بر منطق زیبایی‌شناسانه است.

شاهرخ دولکو: ارتباط میان اثر هنری و مخاطب

به نظر من در کنار هر اثر یا جریان هنری، یک جریان‌ی هم به نام نقد وجود دارد که در واقع دو کارکرد اصلی دارد: ارتباط میان مخاطب و اثر هنری و کمک به ارتقای اثر هنری و کار هنرمندی که آن اثر را خلق کرده است. در واقع این چیزی‌ست که نقد خوب انجام می‌دهد، یعنی هم اثر هنری را به خوبی به مخاطبش وصل می‌کند و هم موجب می‌شود که هنرمند یک بازنگری در کار خود بکند و آثارش را ارتقا بدهد.

مرتضی احمدی: مطبوعات دلسوز و نقدهای خوب

من اعتقادی به نقدهایی که در تلویزیون می‌شود ندارم و فقط علاقه‌مند به نقدهایی هستم که در مطبوعات نوشته می‌شود و آن‌ها را می‌خوانم، چون مطبوعات از روی دلسوزی و علاقه این کار را می‌کنند.

خسرو معصومی: دل من را به درد آوردند!

اصولاً در کشور ما نقاد خوب وجود ندارد و تنها کسی که من نقدهایش را با لذت می‌خوانم «پرویز دویلی» است! متأسفانه

منتقدان ما اشراف کامل به این کار ندارند و ابزار کار را نمی‌شناسند. یک کارشناس باید به ابزار کارش اشراف داشته باشد تا بتواند درست نظر بدهد. در کشور ما دوستان نقدنویس سلیقه‌یی نظر می‌دهند. اصولاً منتقدان خوب ما بعد از مدتی کار خود را رها می‌کنند و به فیلمسازی روی می‌آورند و این مسئله یکی از دلایلی است که ما منتقد با دانش و خوب نداریم. کار منتقد خیلی حساس است. یک نقاد می‌تواند فیلمسازی را از تاریکی به روشنایی برده و راه درست را نشان بدهد. برای مثال «عباس کیارستمی» را یک نقاد خارجی معرفی کرد. یک منتقد باید یک فیلم را ۱۰ تا ۱۵ بار ببیند، اما اصولاً این اتفاق نمی‌افتد و منتقدان ما با یک بار دیدن فیلم می‌نشینند و نقد می‌کنند. من چند اثر دارم که به آن‌ها افتخار می‌کنم، اما نقدهایی که برای آن‌ها نوشته شد عمقی و خوب نبوده و دل من را به درد آورد. من در حال حاضر دیگر زیاد نقدی را نمی‌خوانم.

رضا ناجی: نقد غیر سلیقه‌یی خوب است

به نظر من نقد خیلی خوب و سازنده است به شرطی که سالم باشد. نقد باعث می‌شود که فیلمساز یا بازیگر به ایراد خود پی برده و درصدد رفع آن برآید. در مجموع نقدی که سلیقه‌یی نباشد خوب است.

مجید قاری‌زاده: منتقد و آدم منصف

یک منتقد اثر سینمایی به نظر من در درجه‌ی اول باید آدم منصفی باشد و احاطه‌ی کامل به امور آن اثر هنری داشته باشد و به‌دور از نظر شخصی‌اش و صادقانه اثر را نقد و بررسی کند. آن‌وقت است که هم مخاطب چیزی یاد می‌گیرد و هم صاحب اثر احساس می‌کند که اگر کمبودهایی بوده جبران کند.

علی‌رضا امینی: خصومت‌های شخصی منتقدان!

ما به اندازه‌ی انگلستان دو دستمان منتقد خوب در کشور نداریم! این ۸ تا ۱۰ منتقد واقعاً مثل خود فیلمسازان زحمت می‌کشند و فیلم می‌بینند و مطالعه می‌کنند. بقیه‌ی منتقدان در حد خیلی سطحی و ژورنالیستی و محدود به جشنواره هستند و چیزهایی هم که می‌نویسند بیش‌تر خصومت‌های شخصی است!

محمد شیری: منتقد باید عادلانه قلم بزند

نقد اگر مفرضانه نباشد می‌تواند بسیار کارساز باشد و در جهت بهبود کار بعدی هنرمند تأثیر بگذارد. یک منتقد باید عادلانه قلم بزند. اگر این‌گونه شود حتماً تأثیر مثبت روی هنرمند خواهد گذاشت.

اکبر خواجویی: منتقدان ما به دنبال کشف نیستند!

هنرمند از طریق نقدهای بی‌غرض به یک سری آگاهی‌ها می‌رسد که در کارهایش و بهتر نگاه کردن به آثار سینمایی

می‌تواند بی‌تأثیر نباشد، اما در حال حاضر متأسفانه ما چنین برخوردی را با تمام فیلم‌ها نمی‌بینیم. در مورد بعضی از فیلم‌ها بنا بر مناسبت‌هایی که منتقدان با فیلمسازان آن‌ها دارند شاهد نقدهای متعددی در مجلات و روزنامه‌ها هستیم که اکثراً رونویسی از دست‌همدیگر است و من در این سال‌های اخیر کم‌تر نقد بی‌غرض خوانده‌ام! در ضمن مجلات پیرو آگهی گرفتن‌ها از فیلم‌ها گاهی صفحات خود را پیرامون تعریف از آن فیلم‌ها مصرف می‌کنند؛ نمونه‌ی این کارها هم زیاد دیده شده است. منتقدان ما به دنبال کشف نیستند!

داریوش اسدزاده: اگر نقد نباشد جامعه اصلاح نمی‌شود

برای این که در هر رشته‌ی بخواهیم پیشرفت داشته باشیم باید نقد را قبول کنیم؛ در واقع نقد باید در جامعه باشد. نقد اگر نباشد جامعه اصلاح نمی‌شود. بنابراین ممکن است عده‌یی از نقد خوششان نیاید و با این موضوع مخالفت کنند، اما نقد به نظر بنده اصلاح موضوعات مختلف کشور است.

هوشنگ توکلی: نقد و رسیدن به حقیقت

نقد یک نوع کند و کاو و جست‌وجو در بطن یک موضوع برای رسیدن به حقیقت است. طبیعی‌ست که وقتی یک انسان در حوزه‌ی نقد پرورش پیدا می‌کند وظیفه و مسئولیتش بسیار سنگین است، چون باید با یک موضوع فرهنگی یا هنری برخورد کرده و آن اثر را درک کند و در درون آن به جست‌وجو بپردازد، یعنی یک جور غواصی کند تا به مروارید یک اثر برسد. به همین دلیل ما در کشورمان منتقد در این حوزه‌ی فکری با این حساسیت بالا خیلی کم داریم.

ابراهیم آبادی: انتقاد، کشیده‌یی برای بیداری!

نقد مسئله‌یی‌ست که جنبه‌ی سازندگی دارد؛ البته نقد صحیح و بدون خصومت و اصولی. انتقاد یک کشیده‌یی‌ست که آدم را از خواب غفلت بیدار می‌کند. اگر آن کسی که از خواب بیدار می‌شود، همیشه درد و صدای این کشیده را در وجود خود داشته باشد، قدم‌های بعدی را با شناخت بیش‌تری برمی‌دارد. اصولاً اگر به نقد در جامعه چه در مورد سینما و چه در مورد سیاست، که جدا از هم نیستند، توجه خاصی شود، جنبه‌ی سازندگی دارد. وای بر آن‌هایی که نقد، آن‌ها را می‌رنجاند و به غرورشان لطمه وارد می‌سازد. اگر می‌خواهیم پیروز و موفق باشیم نقدها و نصایح را باید پذیرا باشیم. به امید آن روز که ما همیشه سعی کنیم به ویژه در مورد هنر با مطالعه‌ی بیش‌تری روبه‌رو شویم. ■